هیچ برنامه پنج‌ساله‌ای پارادوکس اقتصاد چین را حل نخواهد کرد



جورج مگنِس
استاد دانشگاه آکسفورد در مرکز مطالعات چین

تعطیلات سال نوی چینی که از این هفته آغاز می‌شود، برای کسب‌وکارها زمانی فرخنده و پررونق است، اما تصویر روشنی از موانع ساختاری بخش‌های گسترده اقتصاد یا از توان صنعتی چشمگیر این کشور به دست نمی‌دهد. دولت قرار است ماه آینده، همزمان با رونمایی از برنامه پنج‌ساله پانزدهم، به این موضوعات بپردازد.

امروز ناکارآمدی‌های ساختاری و پویایی‌های صنعتی چین به‌طور تنگاتنگی به یکدیگر پیوند خورده‌اند. بسیج عظیم منابع و اجرای سیاست صنعتی فشرده و گسترده، در عین حال که بودجه‌های دولتی را تحت فشار می‌گذارد، موتور رشد صنعتی را تقویت، بازارهای کار و کالا را دچار آشفتگی، مصرف داخلی را سرکوب و عدم‌توازن‌های داخلی پایدار می‌کند؛ عدم‌توازن‌هایی که در پسِ مازاد تجاری عظیم و مناقشه‌برانگیز چین قرار دارند.

اقتصاد چین عملا یک پارادوکس ۲۰ تریلیون دلاری است. پنج سال پس از آغاز بحران آسیب‌زای بخش املاک و مستغلات، که هنوز نیز پایان نیافته، اقتصاد با پدیده‌هایی چون مازاد تولید، تورم منفی، ضعف مصرف، رکود بهره‌وری و تنگنای مالی دولت‌های محلی و استانی روبه‌روست.

آمار اعلامی رسمی حزب کمونیست می‌گوید رشد تولید ناخالص داخلی چین در سال ۲۰۲۵ حدود ۵ درصد بوده، اما این آمار واقعی نیست و سقف رشد پایدار چین بین ۳ تا ۴ درصد است. این رشدی که دولت اعلام کرده نتیجه سیاست‌های انبساطی اعتباری و بدهی‌محور است و اگر این سیاست‌ها متوقف شوند، رشد به سرعت افت شدید می‌کند (شاید حتی منفی شود). انتظار می‌رود چین در سال ۲۰۲۶ هم به همین شیوه ادامه دهد و سیاست‌های محرک جدید بیاورد که یعنی تورم بالاتر، بدهی بیشتر و ناترازی شدیدتر.

با این همه، اقتصاد چین در سطح جهانی به‌دلیل برخورداری از صنایع و تولیدات آینده‌نگر، تحسین می‌شود؛ در بخش‌های کلیدی از جمله خودروهای برقی، باتری، هوش مصنوعی، انرژی خورشیدی و بادی و صنایع دارویی، پیشتاز و در برخی حوزه‌ها مسلط است؛ برندهای جهانی موفقی دارد و دست‌کم در حال حاضر، در حوزه‌هایی نظیر فرآوری عناصر نادر خاکی، اهرم‌های راهبردی در اختیار دارد.

حتی در بخش مدرن اقتصاد این کشور نیز پارادوکس‌های پیچیده‌ای مشاهده می‌شود. حمایت‌های بی‌سابقه سیاست صنعتی با بودجه‌ای معادل سالانه ۵ تا ۸ درصد تولید ناخالص داخلی در کنار رقابت فرسایشی، ناکارآمدی، زیان‌دهی و اتلاف منابع ارکان این پارادوکس هستند. دولت این وضعیت را «درون‌تابی» نامیده است، زیرا پیامدهای آن بیش از آنکه

مولد باشد، مخرب است. با این حال اصلاح آن دشوار است، زیرا دولت خود هم محرک و هم مصرف‌کننده این مازاد تولید به‌شمار می‌آید.

ضعف تقاضای داخلی و شکاف عمیق میان پس‌انداز و سرمایه‌گذاری سبب شده چین برای مهار سطح بالای بیکاری ناگزیر به اتکا بر صادرات باشد. مازاد تجاری در سال ۲۰۲۵ به رکورد ۲.۲ تریلیون دلار، معادل ۶ درصد تولید ناخالص داخلی، رسید و دست‌کم یک‌سوم رشد اقتصادی سال گذشته از محل خالص صادرات تامین شده است. این وضعیت اگرچه استثنایی اما مطلوب نیست. افزایش ۴۰ درصدی حجم صادرات از سال ۲۰۱۹ در کنار واردات تقریبا ثابت، نشانه‌هایی از رفتار مرکانتیلیستی را آشکار ساخته که کارشناسان به آن «موج دوم شوک چین» می‌گویند؛ شوکی که بر پیامدهای جهانی سیاست‌های دولت‌محور با هدف کسب برتری صنعتی تمرکز دارد.

در واکنش ده‌ها کشور، به‌ویژه اقتصادهای پیشرفته عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی و نیز کشورهای با درآمد متوسط که نگران صنعتی‌شدن و اشتغال خود هستند، به ایجاد سازوکارهای دفاع تجاری از جمله تعرفه‌ها، اقدامات ضددامپینگ و سایر محدودیت‌های وارداتی روی آورده‌اند.

سیاست‌های اقتصادی و صنعتی چین هر سال در نشست کنگره ملی خلق در ماه مارس مورد توجه قرار می‌گیرد و امسال نیز دولت جزئیات برنامه پنج‌ساله جدید خود برای دوره ۲۰۲۶ تا ۲۰۳۰ را اعلام خواهد کرد. محور اصلی این برنامه، که اکتبر ۲۰۲۵ در کمیته مرکزی حزب کمونیست چین بررسی شد، بر تقویت توان صنعتی، افزایش امنیت ملی و خوداتکایی در بستر پرتنش ژئوپلیتیک تاکید دارد. انتظار می‌رود دولت به افزایش مصرف داخلی و مجموعه‌ای از ابتکارات اجتماعی و اقتصادی دیگر نیز اشاره کند، اما تغییرات احتمالا تدریجی و محدود خواهد بود.

با این حال، این برنامه به‌طور بنیادین به عدم‌توازن‌های ساختاری چین، ضرورت اصلاح الگوی توسعه، پارادوکس میان رکود بخش‌های گسترده اقتصاد و پویایی صنعتی، یا نارضایتی فزاینده شرکای تجاری نخواهد پرداخت و تولید مدرن چین به واسطه مشکلات بخش املاک و سایر چالش‌های ساختاری متوقف نخواهد شد. در عین حال، گریزگاه برتری فناورانه، که تنها ۸ تا ۱۰ درصد تولید ناخالص داخلی چین را تشکیل می‌دهد، نیز قادر نخواهد بود مشکلات ۹۰ درصد دیگر اقتصاد را حل کنند و چه بسا تنش‌ها را با سایر کشورها تشدید کند.

گشودن این بن‌بست مستلزم اصلاحات سیاسی و به ویژه استقرار نظام‌های مالی و بودجه‌ای کارآمدتر است که تخصیص سرمایه را بهینه سازند، محدودیت‌های بودجه‌ای نرم را پایان دهند، کارآفرینی را تقویت کنند و امکان توزیع زیان‌ها را در چارچوب اجرای بی‌طرفانه قانونی فراهم آورند. اصلاحاتی که اساسا در دستور کار قرار ندارد.

منبع

- تایمز لندن ۴ اسفند ۱۴۰۴